

ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر

سیدعلی سادات اخوی*

فرناز فکوری**

چکیده

پروتکل اول منضم به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مبنای صلاحیت کمیته حقوق بشر در رسیدگی به شکایات افراد علیه دولت‌های عضو پروتکل در خصوص نقض حقوق مندرج در میثاق محسوب می‌شود. بر طبق بند چهار از ماده پنج پروتکل، کمیته موظف شده نتایج رسیدگی خود را در قالب آنچه در این ماده به‌عنوان final views یا «دیدگاه‌های پایانی» نامیده شده، به فرد شاکی و دولت خوانده ارائه کند. با وجود این، سند مذکور هیچ اشاره‌ای به ارزش و جایگاه حقوقی این یافته‌ها و تبعات حاصل از احراز نقض میثاق توسط کمیته ندارد. سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر واجد ماهیت الزام‌آور هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا این «دیدگاه‌ها» برای دولت‌های عضو ایجاد الزام می‌کنند یا این که صرفاً ارزش توصیه‌ای دارند؟ مقاله حاضر مسأله فوق را بدو از جنبه نظری و سپس از جنبه عملی و در رویه دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، نهادهای نظارتی، کمیته حقوق بشر، پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی، «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر

*. نویسنده مسئول، استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، email: ali_sadatakhavi@hotmail.com

** کارشناس ارشد حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، email: Farnaz_Fakuri2007@yahoo.com

مقدمه

به دنبال نقض فاحش حقوق بنیادین انسان‌ها در جنگ جهانی دوم، دنیا به سرعت شاهد تلاش‌هایی در سطح جهانی و منطقه‌ای برای گنجاندن حقوق اولیه افراد در قالب اعلامیه‌ها، معاهدات و سایر اسناد حقوق بشری بود. در همین زمینه، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به‌عنوان نقطه عطفی در حمایت بین‌المللی از حقوق بشر تلقی شد و تدوین و تصویب هشت کنوانسیون حقوق بشری دیگر را در سطح جهانی و در چارچوب سازمان ملل با خود به دنبال داشت. اسناد هشت‌گانه مذکور برای نظارت بر تعهدات دولت‌های عضو، نهادهایی را ایجاد و صلاحیت‌ها و وظایفی را بدان‌ها تفویض کرده‌اند. امروزه از این نهادهای هشت‌گانه به‌عنوان نهادهای مبتنی بر معاهده ملل متحد یاد می‌شود.

یکی از اولین نهادهای تأسیس شده براساس معاهدات فوق، کمیته حقوق بشر است که براساس ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) تنها نهاد صلاحیت‌دار برای نظارت بر حسن اجرای مقررات این سند و پروتکل‌های منضم به آن تلقی می‌شود. این نهاد مرکب از ۱۸ عضو است که توسط دولت‌های عضو میثاق به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و در ظرفیت شخصی خود به ایفای وظایف مقرر می‌پردازند (بند ۳ ماده ۲۸). اولین وظیفه کمیته بر طبق ماده ۴۰ میثاق، رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها در زمینه اقداماتی است که با هدف اثر بخشیدن به حقوق مذکور در این سند صورت گرفته است. رسیدگی به شکایت دولت‌ها علیه یکدیگر در زمینه ادعای نقض حقوق مندرج در میثاق، دومین صلاحیتی است که این نهاد بر طبق ماده ۴۱ عهده‌دار انجام آن است. در کنار دو مورد بالا، کمیته حقوق بشر بر طبق پروتکل اول منضم به میثاق قادر است به شکایات افرادی که مدعی هستند در حیطه صلاحیت دولت عضو پروتکل قربانی نقض حقوق میثاق شده‌اند، رسیدگی کند.

در فرایند رسیدگی به شکایات فردی، کمیته حقوق بشر موظف است پس از احراز قابلیت پذیرش دعوا و تبادل کتبی اطلاعات بین طرفین، تصمیم خود را درخصوص نقض یا عدم نقض میثاق به دولت خواننده و شاکی ارسال کند. بند چهار ماده پنج پروتکل از این تصمیم به‌عنوان *final views* یا «دیدگاه‌های پایانی» یاد کرده است.

استفاده از لفظ «دیدگاه‌ها» در پروتکل و سکوت مقررات این سند درخصوص تکالیف دولت‌های عضو، اختلاف نظر جدی و عمیقی را بر سر ماهیت الزام‌آور یا غیرالزام‌آور این دسته از یافته‌های کمیته حقوق بشر ایجاد کرده است. در همین زمینه، این سؤال اساسی مطرح است که جایگاه حقوقی یافته‌های کمیته که در قالب «دیدگاه‌ها» ارائه می‌شوند، چیست؟ به عبارت دیگر آیا این یافته‌ها برای دولت‌ها دارای ارزش الزام‌آور هستند یا خیر؟ و به علاوه تکالیف و تعهدات دولت‌ها در برابر «دیدگاه‌های» صادر از طرف کمیته حقوق بشر چیست؟

مقاله حاضر پرسش فوق را از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌دهد. مبحث اول به تجزیه و تحلیل موضوع

از دیدگاه تئوریک می‌پردازد؛ به طوری که ابتدا دو نظریه عمده در خصوص ارزش حقوقی «دیدگاه‌های» کمیته تشریح و سپس نظرهای کمیته حقوق بشر در این ارتباط بیان می‌شود. مبحث دوم به ارزیابی موضوع از دیدگاه عملی و در رویه دولت‌ها اختصاص دارد. بدین منظور ابتدا اظهارنظرهای رسمی دولت‌ها، سپس آیین پیگیری^۱ کمیته حقوق بشر و در نهایت رویکرد محاکم داخلی برخی از دولت‌های عضو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبحث اول) ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در تئوری گفتار اول) نظر حقوقدانان

با توجه به اهمیت حق شکایت فردی در حمایت از حقوق افراد و ابهام موجود در متن پروتکل، حقوقدانان عقاید متفاوتی در زمینه ارزش و جایگاه حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته ابراز کرده‌اند. به طور کلی نظر حقوقدانان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نظریه مبتنی بر غیرالزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر و نظریه مبتنی بر الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر.

الف) نظریه مبتنی بر غیرالزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر
عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر به لحاظ رسمی^۲ و از منظر حقوق بین‌الملل، ویژگی الزام‌آور نداشته، از همین رو تعهدی حقوقی بر دولت‌ها در زمینه رعایت و عمل به آن‌ها بار نمی‌کند. به عبارت دیگر، بنا به نظر این گروه، این دسته از یافته‌های کمیته، ماهیتی فراتر از یک توصیه یا پیشنهاد ندارند. از اهم دلایل این گروه موارد زیر است:

۱. استناد به لفظ مورد استفاده در پروتکل، یعنی «views» برای نامیدن محصول رسیدگی به شکایات فردی

گروهی از حقوقدانان بر این باورند که در تجزیه و تحلیل ارزش حقوقی یافته‌های حاصل از شکایات فردی، بررسی خود این واژه دارای اهمیت خاصی است. این گروه با استناد به بند چهار ماده پنج پروتکل و در مقام مقایسه با کنوانسیون اروپایی و امریکایی حقوق بشر، معتقدند که صرف استفاده از لفظ views در پروتکل و نه الفاظ دیگری همچون judgment حاکی از آن است که تدوین‌کنندگان میثاق و پروتکل، قصدی مبنی بر اعطای خاصیت الزام‌آور به ماحصل رسیدگی‌های کمیته حقوق بشر نداشته‌اند. بنابراین، دولت‌های عضو

1. follow-up

2. officially

پروتکل تکلیفی به رعایت و عمل به این یافته‌ها ندارند.^۳

۲. استناد به فقدان مقرره‌ای خاص در متن پروتکل مبنی بر الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی»

بدون تردید تدوین‌کنندگان یک معاهده می‌توانند در خصوص اعطای ارزش یا ویژگی خاصی به مفاهیم به کار رفته در آن سند تصمیم‌گیری کنند. به‌عنوان مثال، چنانچه اراده و خواست آن‌ها بر الزام‌آور تلقی کردن نتایج حاصل از رسیدگی به شکایات فردی باشد، می‌توانند با گنجاندن قرائن و مقرراتی در آن معاهده، چنین قصدی را به مخاطبان اصلی آن سند که عموماً دولت‌ها هستند، منتقل کنند. در همین زمینه، کنوانسیون اروپایی و امریکایی حقوق بشر، حاوی مقررات صریحی در زمینه تکلیف دولت‌های عضو این اسناد به متابعت از احکام صادر از سوی دیوان اروپایی و امریکایی حقوق بشر هستند. برطبق بند یک از ماده ۴۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که از احکام قطعی صادر از سوی دیوان اروپایی در کلیه پرونده‌هایی که در آن طرف دعوا قرار می‌گیرند، پیروی کنند». بند یک از ماده ۶۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز به‌صراحت بر تعهد دولت‌های عضو به متابعت از احکام دیوان امریکایی تأکید ورزیده است.

یکی از دلایل مخالفان الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی»، استناد به نبود مقرره‌ای خاص در پروتکل است که به صورت صریح و یا ضمنی برای این قبیل از تصمیمات، اثر الزام‌آور حقوقی قائل باشد.^۴ بند چهارم از ماده پنج پروتکل تنها مقرره در این سند است که از واژه مذکور به‌عنوان نتیجه حاصل از رسیدگی به شکایات فردی نام می‌برد. با وجود این نه‌تنها در این ماده، بلکه در هیچ‌یک از مواد دیگر، به تکالیف دولت‌های ناقض حقوق مندرج در میثاق و ارزش قضایی این قبیل تصمیمات اشاره نشده است.^۵ بنا به نظر این گروه اگر تدوین‌کنندگان پروتکل قصدی مبنی بر اعطای ارزش الزام‌آور به «دیدگاه‌های» کمیته داشتند، می‌توانستند با درج مقرراتی مانند آنچه در کنوانسیون اروپایی و امریکایی حقوق بشر وجود دارد، نیت خود را آشکار سازند. فقدان چنین مقرراتی در پروتکل حاکی از آن است که تدوین‌کنندگان این سند، ماهیتی الزام‌آور برای «دیدگاه‌های» کمیته قائل نبوده‌اند.

3. Scott Davidson, "Intention and Effect: The Legal Status of the Final Views of the Human Rights Committee", in Paul Rishworth and Grant Huscroft (eds), *Litigating Rights: Perspective from Domestic and International Law*, Oxford and Portland, Hart Publishing, 2002, pp.306-307.

4. Fausto Pocar, "La Valeur Juridique des Constatations du Comité des Droits de l'homme", *Canadian Human Rights Yearbook*, 1991-1992, p.129.

5. *Ibid.*

۳. استناد به کارهای مقدماتی^۶ میثاق و پروتکل

از نظر طرفداران توصیه‌ای بودن «دیدگاه‌های پایانی»، بررسی پیش‌نویس میثاق و پروتکل و مطالعه اختلاف نظر کشورهای بلوک شرق و غرب بر سر ساز و کارهای اجرایی حقوق مدنی و سیاسی، ماهیت حقوقی این دسته از تصمیمات کمیته را آشکار می‌سازد. در این زمینه، رجوع به تاریخچه درج حق شکایت افراد در پروتکل دارای اهمیت خاصی است. مخالفان پیش‌بینی حق شکایت فردی عموماً معتقد بودند که وجود چنین حقی، خدشه‌ای به اصل حاکمیت دولت‌ها وارد آورده، زمینه‌ای را برای سوءاستفاده افراد فراهم خواهد آورد. در مقابل، گروهی دیگر با استناد به روح و هدف غایی میثاق حقوق مدنی و سیاسی در خصوص حمایت هرچه مؤثرتر از حقوق افراد، بر ضرورت گنجاندن این حق در میثاق تأکید می‌کردند.^۷ در نهایت، کمیته سوم مجمع عمومی برای ایجاد مصالحه بین منافع بلوک شرق و غرب و جلوگیری از ایجاد چنددستگی بین دولت‌ها تصمیم به پیش‌بینی این حق در ضمن سند جداگانه‌ای گرفت؛ به طوری که دولت‌های عضو میثاق در الحاق یا عدم الحاق به آن آزادی عمل داشتند.^۸

از نظر طرفداران غیرالزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» با وجود تصمیم مهم کمیته سوم در اعطای حق شکایت به افراد، اعضای این کمیته حاضر به اقدام جسورانه‌تری مبنی بر پیش‌بینی تصمیمات الزام‌آور برای کمیته نبودند. از همین رو به هنگام رأی‌گیری در مورد بند چهار ماده پنج پروتکل به استفاده از لفظ views به جای الفاظ قوی‌تری همچون judgment اکتفا شد.^۹

۴. استناد به ماهیت فعالیت‌های کمیته

عده‌ای از حقوقدانان در رد ضرورت الزام دولت‌ها به رعایت «دیدگاه‌های پایانی»، مبنای استدلال خود را بر ماهیت کمیته و قضایی نبودن این نهاد گذاشته‌اند. به عقیده این گروه، ارزش و جایگاه حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته با ماهیت و فعالیت خود این نهاد ملازمه دارد.^{۱۰} بر طبق نظر آن‌ها، کمیته حقوق بشر یک دادگاه یا «محکمه قضایی»^{۱۱} تلقی نشده و در نتیجه، تصمیماتش در ماهیت پرونده، یک رأی به معنای

6. travaux Préparatoires

7. Dominic Mc Goldrick, *The Human Rights Committee: It's Role in the Development of International Covenant on Civil and Political Rights*, Oxford/ Clarendon/ New York, Oxford University Press, 1991, pp.122-123.

8. *Ibid.*, pp.123-124.

9. Alfred de Zayas, "The Potential for United States Ratification and Enforcement of the Covenants on Civil and Political Rights and Economic, Social and Cultural Rights: The Potential for the United States Joining the Covenant Family", *GA. Journal of International and Comparative Law*, Vol.20 (299), 1990, p. 302.

10. Henry J. Steiner, Philip Alston and Ryan Goodman, *International Human Rights in Context; Law, Politics, Morals*, 3rd edition, New York, Oxford University Press, 2007, p. 915.

11. Un tribunal judiciaire (A Court of Law)

judgment محسوب نمی‌شود.^{۱۲} در انتهای رسیدگی به شکایات فردی، کمیته صرفاً تصمیماتی تحت عنوان views اتخاذ می‌کند که برای دولت‌های عضو جنبه الزام‌آور نداشته، دولت‌ها درخصوص اجرا یا عدم اجرای آن‌ها می‌توانند حسب صلاحدید خود اقدام کنند.^{۱۳}

بنا به اعتقاد این گروه، مقایسه کمیته با مراجعی مثل دیوان اروپایی حقوق بشر، قضایی نبودن عملکرد این نهاد را بهتر آشکار می‌سازد. در همین راستا لازم است یادآور شویم که اعضای نهادهای قضایی همچون دیوان اروپایی و امریکایی حقوق بشر عموماً قاضی «judge» نامیده شده‌اند،^{۱۴} در حالی که در میثاق از این اشخاص به‌عنوان کارشناس «expert» یاد شده است. علاوه بر آن، این نهاد عمدتاً فاقد آیین‌هایی است که به طور معمول در نهادهای قضایی مشاهده می‌شوند. فقدان آیین حقیقت‌یابی،^{۱۵} رسیدگی به پرونده‌ها براساس تبادل لوایح،^{۱۶} عدم امکان برگزاری رسیدگی به صورت شفاهی،^{۱۷} عدم امکان حضور شهود، و غیرعلنی بودن رسیدگی از عواملی است که در نقش کمیته به‌عنوان یک نهاد قضایی تردید ایجاد می‌کند.^{۱۸}

12. Pocar, *op.cit.*, p.129; Walter Kälin, Jörg Künzli, *The Law of International Human Rights Protection*, New York, Oxford University Press, 2009, p.208.

13. Nisuke Ando, "L'avenir des Organes de Supervision: Limites et Possibilités du Comité de Droit de l'homme", *Canadian Human Rights Yearbook*, 1991-1992, p.186.

۱۴. به‌عنوان مثال ر.ک: ماده ۲۰، ۲۱ و ۲۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷۰، ۷۱ و ۷۲ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر.

15. fact-finding

16. written procedure

براساس ماده پنج پروتکل، رسیدگی به شکایت مطرح شده در پرتو کلیه اطلاعاتی صورت می‌گیرد که طرفین به صورت کتبی در اختیار کمیته گذاشته‌اند. وجود آیین تبادل لوایح در رسیدگی‌های کمیته حقوق بشر باعث ایجاد مشکلاتی بر سر راه حقیقت‌یابی شده است. لذا این امکان وجود دارد که کمیته به علت تکیه بر اطلاعات موجود و عدم امکان حل تناقضاتی که گاه بین اظهارات طرفین دعوا رخ می‌دهد، رأی بر عدم وقوع نقض میثاق صادر کند.

17. oral hearings

ایجاد آیین شفاهی در رسیدگی‌های کمیته حقوق بشر با موافقان و مخالفان زیادی رو به رو است. مخالفان ایجاد چنین آیینی عمدتاً از فقدان صلاحیت کمیته و نیز کمبود منابع و امکانات سخن می‌گویند، در حالی که موافقان بر این اعتقادند که روح میثاق و پروتکل به هیچ وجه کمیته را از رسیدگی شفاهی منع نکرده است. علاوه بر آن با ایجاد آیین شفاهی، ظرفیت حقیقت‌یابی کمیته نیز بالاتر خواهد رفت. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:

Steiner, Alston and Goodman, *op.cit.*, pp.894-895; Edward Dony, "UN Human Rights Covenants Become Law: So What?", *American Society of International Law Proceedings*, Vol.70, 1976, p.102.

18. Henry J. Steiner, "Individual Claims in a World of Massive Violations: What Role for the Human Rights Committee?" in Philip Alston and James Crawford (eds), *The Future of UN Human Rights Treaty Monitoring*, Cambridge, Cambridge University Press, 2000, pp. 28-29.

ب) نظریه مبتنی بر الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در نقطه مقابل نظریه بالا، نظریه دومی نیز مطرح شده که با تکیه بر دلایل و استدلال‌های زیر، معتقد به لزوم رعایت «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر توسط دولت‌ها است:

۱. الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» به عنوان یکی از ضروریات تعهد دولت‌ها به فراهم آوردن «طرق جبران خسارت مؤثر»^{۱۹}

هر دولت عضو میثاق مکلف است در موارد نقض حقوق مندرج در این سند، طرق جبران خسارت مؤثری را برای فرد قربانی فراهم کند. چنین تکلیفی تنها زمانی بر دولت‌ها بار می‌شود که نقض یکی از حقوق ماهوی میثاق احراز شود.^{۲۰} اگر تصمیم کمیته مبنی بر نقض میثاق، بیانیه‌ای حاوی ارزش صرفاً اخلاقی و فاقد ماهیت حقوقی باشد، تعهدی حقوقی برای دولت در فراهم کردن طرق جبران خسارت مؤثر نیز وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، تنها راه عملی شدن تعهد موجود در ماده ۲ میثاق آن است که «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر به لحاظ حقوقی الزام آور باشند. بنا به نظر طرفداران الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی»، اعتقاد به وجود تعهدی در میثاق مبنی بر جبران خسارت مؤثر از نقض حقوق قربانی، بدون اعتقاد به الزام آور بودن تصمیماتی که طی آن چنین نقضی احراز می‌شود، امر معقولی تلقی نمی‌شود.^{۲۱}

۲. کمیته به عنوان تنها نهاد صالح بین‌المللی در زمینه احراز نقض میثاق

مقدمه پروتکل، دستیابی بیش‌تر به اهداف میثاق و اجرایی کردن مقررات آن را به عنوان هدف از تدوین این سند در پیش‌بینی حق شکایات فردی اعلام کرده و اجرای چنین هدفی را بر عهده کمیته حقوق بشر نهاده است. اگر «دیدگاه‌های» کمیته صرفاً توصیه محسوب شوند و واجد ارزش الزام آور نباشند، پروتکل به هدف خود در اجرایی کردن و اثر بخشیدن به مقررات میثاق نخواهد رسید. کمیته حقوق بشر، تنها نهادی است که در سطح بین‌المللی به عنوان ناظر و حافظ اجرای مقررات میثاق شناخته می‌شود. از همین رو، احراز نقض توسط این مرجع معتبر، یعنی یک نهاد مبتنی بر معاهده حقوق بشری سازمان ملل، می‌تواند اشاره‌ای به تکلیف دولت‌های عضو در عمل به مفاد تصمیم کمیته تلقی شود.^{۲۲} این موضوع بدین معنا است که

19. effective remedy

20. Davidson, "Intention and Effect: The Legal Status of the Final Views of the Human Rights Committee", in Rishworth and Huscroft (eds), *op.cit.*, p. 311.

21. *Ibid.*

22. Martin Scheinin, "The Human Rights Committee's Pronouncements on the Right to an Effective Remedy, An Illustration of the Legal Nature of the Committee's Work under the Optional Protocol", in Nisuke Ando, (ed),

دولت‌های عضو پروتکل موظفند با در نظر گرفتن صلاحیت انحصاری کمیته در رسیدگی به شکایات فردی از «دیدگاه‌های» وی نیز، به‌عنوان حاصل و نتیجه پایانی این رسیدگی، تبعیت کنند.^{۲۳}

۳. استناد به رویه کمیته در نگارش «دیدگاه‌های پایانی»

در سال‌های اخیر، کمیته با درج عبارتی در پایان متن کلیه «دیدگاه‌ها» به‌وضوح تعهد دولت‌ها را در ماده ۲، مبنی بر فراهم کردن طرق جبران خسارت مؤثر به صلاحیت خود در تصمیم‌گیری در زمینه نقض یا عدم نقض میثاق و اشاره به طرق جبران خسارت ارتباط داده است.^{۲۴} عبارتی که کمیته به‌طور معمول از آن استفاده می‌کند، به شرح زیر است:

«با در نظر داشتن این امر که با عضویت در پروتکل اختیاری، دولت‌ها صلاحیت کمیته را به تصمیم‌گیری درخصوص وقوع یا عدم وقوع نقض مندرجات میثاق می‌پذیرند و نیز این که بر طبق ماده دو میثاق هر دولت عضو مکلف شده تا حقوق مندرج در میثاق را برای کلیه افرادی که در سرزمین وی و تحت صلاحیتش هستند تضمین کند و همچنین در موارد اثبات نقض میثاق، طرق جبران خسارت مؤثر و قابل اجرایی را فراهم آورد، کمیته حقوق بشر انتظار دارد که ظرف مدت ۹۰ روز، اطلاعاتی را از طرف دولت عضو درخصوص تدابیری که در جهت اثر بخشیدن به «دیدگاه‌های» کمیته اتخاذ شده است، دریافت کند».^{۲۵}

بنا به اعتقاد گروه اخیر، استفاده از این سبک نگارش در «دیدگاه‌های پایانی» از قصد این نهاد به‌الزام‌آور

Towards Implementing Universal Human Rights: Festschrift for the Twenty - Fifth Anniversary of the Human Rights Committee, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers, 2004, p.104; Pocar, op.cit., p. 105.

همچنین ر.ک:

Martin Scheinin, "International Mechanisms and Procedures for Implementation", in Raija Hanski and Marku Suksi (eds), *An Introduction to International Protection of Human Rights; A Textbook*, 2nd Revised Edition, Turku/Åbo: Institute for Human Rights, Åbo Akademi University, 1999, p.444.

23. Christian Tomuschat, "National Implementation of International Standards", *Canadian Human Rights Yearbook*, 1984-1985, pp. 36.

24. Davidson, "Intention and Effect: The Legal Status of the Final Views of the Human Rights Committee", in Rishworth and Huscroft (eds), *op.cit.*, p.310.

25. "Bearing in mind that, by becoming a party to the Optional Protocol, the State party has recognized the competence of the Committee to determine whether there has been a violation of the Covenant or not and that, pursuant to article 2 of the Covenant, the State party has undertaken to ensure to all individuals within its territory and subject to its jurisdiction the rights recognized in the Covenant and to provide an effective and enforceable remedy in cases where a violation has been established, the Committee wishes to receive from the State party, within 90 days, information about the measures taken to give effect to the Committee's Views."

دانستن این نوع تصمیماتش حکایت دارد.^{۲۶} به عبارت دیگر، کمیته با دنبال کردن این روش در پی تقویت این ادعا است که باید با این «دیدگاه‌ها» در تمامیت آن به صورت تصمیمات حقوقی الزام‌آور برخورد کرد.^{۲۷}

۴. نقش الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» در عمل دولت‌ها به تعهدات میثاق

براساس این استدلال، تعهدات موجود در میثاق به خودی خود الزام‌آور هستند. «دیدگاه‌های پایانی» کمیته و احراز نقض توسط این نهاد، وسیله‌ای مناسب جهت روشن ساختن مواردی است که دولت عضو در عمل به تعهدات خود ناموفق بوده است. در نتیجه لازم می‌آید که دولت‌ها نحوه عملکرد خود را با میثاق هماهنگ کنند. این امر در عمل بدین معنا است که دولت‌های عضو پروتکل ملزمند به تصمیمات کمیته ترتیب اثر بدهند. از همین رو، عدم پیروی از «دیدگاه‌های پایانی»، دولت‌ها را در معرض نقض تعهداتی قرار می‌دهد که بر طبق میثاق بر آن‌ها بار شده است.^{۲۸}

۵. استفاده از لفظ صلاحیت^{۲۹} توسط کمیته

طرفداران الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» مبنای یکی از استدلال‌های خود را بر استفاده کمیته از واژه خاص «صلاحیت» قرار داده‌اند. بنا به اعتقاد این گروه، لفظ «صلاحیت» در ادبیات حقوقی حاوی بار معنایی بالایی است و به‌کارگیری آن از سوی اعضای کمیته به‌طور کاملاً آگاهانه انجام پذیرفته است.^{۳۰} بر همین اساس، زمانی که این نهاد در «دیدگاه‌های» خود بیان می‌کند: «دولت عضو صلاحیت کمیته را به تصمیم‌گیری درخصوص نقض یا عدم نقض میثاق پذیرفته است»، چنین صلاحیتی را باید به صلاحیت حقوقی تفسیر کنیم، نه اخلاقی، چرا که شایسته نیست دولت‌ها را ملزم به انجام تکالیف حقوقی خود براساس تصمیمی کنیم که صرفاً دارای جنبه اخلاقی است.^{۳۱}

۶. پیروی از یک الگوی قضایی در نگارش «دیدگاه‌های پایانی»

به هنگام انشای یافته‌های حاصل از شکایات فردی، کمیته حقوق بشر پس از بیان شرح کاملی از حقایق

26. Davison, *op.cit.*, p. 310.

27. *Ibid.*

28. Elizabeth Evatt, "The Impact of International Human Rights on Domestic Law", in Rishworth and Huscroft (eds), *op.cit.*, p.301.

29. competence

30. Davidson, "Intention and Effect: The Legal Status of the Final Views of the Human Rights Committee", in Rishworth and Huscroft (eds), *op.cit.*, p.310.

31. *Ibid.*

موجود و فرآیند طی شده، به ذکر دلایل حقوقی پرداخته، در قسمت اجرایی^{۳۲} تصمیم به بیان دقیق موارد نقض میثاق می‌پردازد. در پایان نیز از دولت مربوط می‌خواهد تا اقداماتی فوری در جهت جبران خسارت از قربانی به عمل آورد.^{۳۳} تلاش کمیته حقوق بشر عموماً بر آن است تا یافته‌های خود را به صورت کاملاً مستدل بیان کرده، در هر موضوعی دلایل و مدارکش را به صورت دقیق ارائه کند.^{۳۴} همچنین در «دیدگاه‌های پایانی» مواردی همچون اشاره به رویه قضایی، تفاسیر کلی^{۳۵} این نهاد و تفسیر حقوق ماهوی مندرج در میثاق نیز قابل مشاهده است.^{۳۶} در کنار این موارد، یافته‌های کمیته مبتنی بر رسیدگی منظمی است که در طول آن، دولت خوانده و شاکی فرصت کافی برای ارائه نظر و توضیحات دارند و در پایان، نتیجه رسیدگی به هر دو طرف دعوا ابلاغ می‌شود.^{۳۷، ۳۸}

طرفداران الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» با استناد به این الگوی نگارشی و رسیدگی که تا حد زیادی به مراجع قضایی، همچون دیوان اروپایی و امریکایی حقوق بشر شباهت دارد، بر این باورند که یافته‌های کمیته، همسنگ با یافته‌های مراجع مذکور بوده، دولت‌ها ملزم به متابعت از آن‌ها می‌باشند.

گفتار دوم) رویکرد کمیته حقوق بشر در خصوص ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی»

در کنار نظر حقوقدانان، نکته حائز اهمیت دیگر، رویکرد خود کمیته به ارزش «دیدگاه‌هایی» است که براساس ماده ۵ پروتکل موظف به تدوین آن‌ها است. تفسیر کلی شماره ۳۳ کمیته که در سال ۲۰۰۸ تدوین

32. operative part

33. P.R. Ghandhi, *The Human Rights Committee and the Right of Individual Communication; Law and Practice*, Aldershot, Ashgate, 1999, p.330.

34. Martin Scheinin, "Access to Justice before International Human Rights Bodies: Reflections on the Practice of the UN Human Rights Committee and the European Court of Human Rights", in Francesco Francioni (ed), *Access to Justice as a Human Right*, Oxford, New York, Academy of European Law, European University Institute, Oxford University Press, 2007, p.137; Laurence R. Helfer and Anne-Marie Slaughter, "Toward a Theory of Effective Supranational Adjudication", *Yale law Journal*, Vol.107, 1997-1998, p. 322.

مدل بودن یافته‌ها به شاکی این تضمین را می‌دهد که طرح شکایت وی بیهوده نیست و مرجع مربوط با مدنظر قرار دادن حقایق و اصول و مبانی کلی حاکم بر پرونده به انشای تصمیم خود پرداخته است.

35. general comments

36. *Ibid.*, p. 343.

۷۳. در اهمیت فرصت دفاع باید خاطر نشان ساخت که شنیده شدن کلیه اظهارات طرفین و دقت و توجه مقتضی به آن‌ها از سوی مرجع مربوط موجب سهولت در پذیرش تصمیم نهایی مرجع ذیصلاح از سوی شاکی و دولت خوانده و موجب جلب اطمینان طرفین به تحقق ایده عدالت در حل و فصل و رسیدگی به اختلافات می‌شود.

38. Joanna Harrington, "The Absent Dialogue: Extradition and the International Covenant on Civil and Political Rights", *Queen's Law Journal*, Vol.32, 2006-2007, p. 90.

شده، تا حدی موضع این نهاد در قبال ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» را آشکار می‌سازد.^{۳۹} بنا به تفسیر کلی شماره ۳۳، «دیدگاه‌های» کمیته بیانگر یافته‌های این نهاد در زمینه ادعای فرد شاکی در مورد نقض میثاق توسط یک دولت عضو هستند.^{۴۰} در بند ۱۱، ۱۳ و ۱۵ این سند در بیان ویژگی‌های یافته‌های حاصل از شکایات فردی و اهمیت حقوقی این یافته‌ها چنین آمده است:

«گرچه عملکرد کمیته حقوق بشر در رسیدگی به شکایات فردی از نوع وظایف یک نهاد قضایی نیست، «دیدگاه‌هایی» که از سوی کمیته بر طبق پروتکل اختیاری اتخاذ می‌شوند، نشان‌دهنده برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تصمیمات قضایی هستند. چنین «دیدگاه‌هایی» در حال و هوا و روح قضایی اتخاذ می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به بی‌طرفی و استقلال اعضای کمیته، تفسیر مواد میثاق و ویژگی تعیین‌کننده و قاطع این تصمیمات اشاره کرد».^{۴۱}

«دیدگاه‌های کمیته بر طبق پروتکل اختیاری، بیانگر تصمیمی معتبر از جانب نهادی است که توسط خود میثاق تأسیس و وظیفه تفسیر سند مربوط بر عهده وی گذاشته شده است. ویژگی «دیدگاه‌های پایانی» و اهمیت آن، ناشی از نقش اساسی این نهاد براساس میثاق و پروتکل است».^{۴۲} «علاوه بر آن، ویژگی «دیدگاه‌های» کمیته از تعهد دولت‌های عضو به رفتار از روی حسن‌نیت، چه در ارتباط با میثاق و چه در مشارکت خود در آیین مقرر در پروتکل، قابل برداشت است. وظیفه همکاری با کمیته نیز از اعمال اصل حسن‌نیت در رعایت کلیه تعهدات قراردادی سرچشمه می‌گیرد».^{۴۳}

چنانکه از تفسیر کلی شماره ۳۳ به‌وضوح برمی‌آید کمیته حقوق بشر هیچ موضع‌گیری قاطعی درخصوص ارزش «دیدگاه‌های پایانی» خود انجام نداده و صرفاً به بیان خصایص و ویژگی‌های آن بسنده کرده است. دلیل این امر نیز به احتمال زیاد در عدم آمادگی دولت‌ها در پذیرش رسمی خصوصیت الزام‌آور این «دیدگاه‌ها» نهفته است. با وجود این لازم به ذکر است کمیته با اتخاذ سیاستی آگاهانه در طول بیش از سی سال فعالیت، این تصمیمات را در عمل به صورت الزام‌آور شناسایی می‌کند. نحوه تدوین و تنظیم «دیدگاه‌های پایانی» این تصور را به خواننده القا می‌کند که این «دیدگاه‌ها» تصمیماتی کاملاً الزام‌آور هستند. چنین تصویری نه تنها با زبان به کار گرفته شده در یافته‌های کمیته مطابقت دارد، بلکه انتظار کمیته در عمل دولت‌ها به این یافته‌ها و مطلع کردن کمیته از اقدامات صورت گرفته در ظرف مدت ۹۰ روز، خود

39. General Comment No.33, The Obligations of States Parties under the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, CCPR/C/GC/33, 5 November 2008.

40. *Ibid.*, para 12.

41. *Ibid.*, para 11.

42. *Ibid.*, para 13.

43. *Ibid.*, para 15.

دلیل دیگری بر درستی این مدعا محسوب می‌شود.^{۴۴}

مبحث دوم) ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در رویه دولت‌ها

گرچه بحث نظری صرف پیرامون ارزش تصمیماتی که یک نهاد بین‌المللی نظیر کمیته حقوق بشر در ماهیت یک دعوا اتخاذ می‌کند امر مهمی است، نباید از نظر دور داشت که اجراکنندگان نهایی این تصمیمات، دولت‌ها هستند. از همین رو، موضع دولت‌ها نسبت به ارزش حقوقی تصمیمات کمیته در شکایات فردی و همچنین رویه عملی آن‌ها در اجرای مواردی که کمیته در «دیدگاه‌های» خود به آن اشاره کرده است، از اهمیت والایی برخوردار است. در مبحث پیش‌رو، رویه دولت‌ها در خصوص ارزش حقوقی «دیدگاه‌های» کمیته حقوق بشر در طی سه گفتار مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول) ارزش «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در اظهارنظر رسمی دولت‌ها

از آن‌جا که امروزه حقوق بشر از چالش‌های اصلی دولت‌ها است و به یکی از سر فصل‌های اصلی سیاست خارجی تبدیل شده، نمایندگان دولت‌های مختلف با حضور در مجامع بین‌المللی سعی بر ترسیم خط‌مشی و رویکرد کلی دولت متبوع خود در زمینه ارزش و اهمیت نهادهای حقوق بشری و تصمیمات صادره از سوی آنان دارند.^{۴۵} در همین زمینه وزارت امور خارجه نروژ در گزارش شماره ۲۱ خود در سال ۲۰۰۰ درباره ارزش حقوقی یافته‌های نهادهای مبتنی بر معاهده من جمله «دیدگاه‌های پایانی» چنین اظهارنظر کرد:^{۴۶}

گرچه توصیه‌ها و انتقادهای وارد از سوی کمیته‌های ناظر بر معاهدات حقوق بشری سازمان ملل رسماً تکلیفی را مبنی بر متابعت از آن‌ها بر دولت‌ها بار نمی‌کنند، مقامات دولت نروژ اهمیت والایی برای این دسته از یافته‌ها قائل هستند. بنا به نظر مقامات نروژی در فعالیت‌ها و اقداماتی که به طور مداوم و در سطح داخلی و جهانی در جهت تضمین اجرای کنوانسیون‌های حقوق بشری صورت می‌گیرند، این یافته‌ها اصول و خطوط راهنما برای دولت‌ها و دیگر بازیگران صحنه بین‌المللی محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، یافته‌های

44. Davidson, *op.cit.*, p. 311.

۴۵. دسترسی به منابعی که مستقیماً موضع رسمی دولت‌ها را در زمینه موضوع حاضر آشکار سازد به‌آسانی مسیر نیست، چرا که تعداد کمی از دولت‌ها سالیانه به انتشار رویه خود در زمینه حقوق بشر می‌پردازند و دسترسی به این منابع اندک نیز، خود با محدودیت رویه‌رو است. با توجه به همین محدودیت‌ها لازم است یادآور شویم که ذکر رویه دولت‌های امریکا، نروژ، کانادا و استرالیا در گفتار حاضر نه به صورت گزینشی و انتخابی، بلکه صرفاً حاصل استفاده از سیستم جستجوی موجود در پایگاه اطلاعاتی کمیساریای عالی حقوق بشر و وزارت امور خارجه پاره‌ای از کشورها و همچنین بررسی نشریاتی است که به صورت سالیانه به انتشار رویه دولت‌ها تحت عنوان “State Practice” می‌پردازند و در دسترس عموم هستند. از این رو، اظهارنظرهای فوق تنها مواردی هستند که در ارتباط با موضوع حاضر یافت شده‌اند.

46. International Law Association, Berlin Conference (2004), *International Human Rights Law and Practice*, “Final Report on the Impact of the United Nations Human Rights Treaty Bodies”, available at <http://www.abo.fi/instut/imr> (under seminar). p.5, Footnote 19.

نهادهای مبتنی بر معاهده نه تنها در تفسیر معاهده مربوط، بلکه در تحول و توسعه حقوق بین‌الملل عرفی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

دولت ایالات متحده آمریکا در نقدی که در دسامبر ۲۰۰۸ به تفسیر کلی شماره ۳۳ کمیته حقوق بشر وارد کرد،^{۴۷} اذعان داشت که کمیته به هیچ وجه یک نهاد قضایی نیست و تلاش این نهاد در اعلام برخی از خصایص تصمیمات قضایی برای «دیدگاه‌های پایانی»، معارض با اصول کلی حقوق بین‌الملل در مورد تفسیر معاهدات تلقی می‌شود. با این حال، دولت آمریکا یافته‌های حاصل از شکایات فردی کمیته حقوق بشر را مستحق توجه خاص دولت‌ها و احترام جامعه جهانی قلمداد می‌کند.^{۴۸}

بنا به نظر دولت استرالیا گرچه «دیدگاه‌های» کمیته از ارزش بالایی برخوردارند، این یافته‌ها الزام‌آور نبوده، تعهدی برای دولت استرالیا مبنی بر تغییر قوانین و رویه‌های خود ایجاد نمی‌کنند.^{۴۹} دولت کانادا نیز گرچه در قضایی همچون «لاولیس»^{۵۰} در زمینه حقوق اقلیت‌ها قوانین مربوطه خود را اصلاح کرد و در پرونده «بالانتین»^{۵۱} بر دیدگاه کمیته در زمینه مخالفت قوانین ایالت کبک با حق آزادی بیان صحه گذاشت، در مواردی بر ماهیت غیر الزام‌آور «دیدگاه‌های» کمیته تأکید کرده، از قبول تصمیماتی که نادرست می‌داند، سر باز می‌زند.^{۵۲}

چنانکه از بررسی اظهارنظرهای فوق بر می‌آید، دولت‌های مربوط، کمیته حقوق بشر را یک دادگاه در معنای مضیق کلمه تلقی نکرده، «دیدگاه‌های پایانی» این نهاد را نیز به لحاظ حقوقی الزام‌آور نمی‌دانند. با وجود این همان‌طور که مشاهده شد، همه این کشورها به گونه‌ای بر جایگاه و اهمیت والای این یافته‌ها در حقوق بین‌الملل تأکید کرده‌اند.

گفتار دوم) ارزش «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر از منظر آیین پیگیری

نظام‌های حمایت از حقوق بشر بدون وجود ساز و کاری جهت نظارت بر اجرای تصمیمات حاصل از رسیدگی به شکایات کامل نیستند، چرا که هدف از پیش‌بینی ساز و کار شکایات فردی، احقاق حقوق قربانیان از طریق

47. Observations of the United States of America on the Human Rights Committee's General Comment 33: The Obligations of States Parties under the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights (22 December 2008).

48. *Ibid.*, paras 6 to 7 and 9 to 14 and para 19.

49. "Australian Practice in International Law", *Australian Yearbook of International Law*, Vol.16, 1995, pp. 472-474.

50. *Lovelace v. Canada*, The Human Rights Committee, Views adopted on 30 July 1981.

51. *Ballantyne v. Canada*, The Human Rights Committee, Views adopted on 5 May 1993.

52. Shotaro Hamamoto, "An Undemocratic Guardian of Democracy: International Human Rights Complaint Procedures", *Victoria University of Wellington Law Review*, vol. 38, 2007, p.211.

اجرای احکام صادر شده است و این امر میسر نمی‌شود مگر با ایجاد یک آیین نظارتی کارآمد. به‌عنوان نمونه در کنار تکلیف دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به متابعت از آرای دیوان اروپایی، بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون، کمیته وزیران شورای اروپا را موظف به نظارت بر اجرای این آرا توسط دولت‌ها کرده است.^{۵۳} با وجود این، سیستم شکایات فردی مندرج در پروتکل نه‌تنها صراحتی در زمینه ماهیت حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» ندارد، بلکه ساز و کاری برای نظارت بر اجرای این تصمیمات نیز پیش‌بینی نکرده است. ضرورت وجود پاره‌ای اختیارات برای نظارت بر اجرای «دیدگاه‌های پایانی» توسط دولت‌ها و خلأ موجود در ساز و کار پروتکل، کمیته را از همان روزهای آغازین فعالیت بر آن داشت تا راهکاری برای مقابله با این مشکل اتخاذ کند.^{۵۴} در همین زمینه، کمیته حقوق بشر در اجلاس سی و نهم خود در سال ۱۹۹۰ با بهره‌گیری از دکترین اختیارات ضمنی^{۵۵} آیینی را تحت عنوان آیین پیگیری ایجاد کرد.^{۵۶} بر طبق آیین پیگیری، دولت‌ها موظفند ظرف ۹۰ روز کمیته را از تدابیر و اقداماتی که در جهت اثر بخشیدن به «دیدگاه‌های پایانی» و جبران خسارت از شاکی اتخاذ کرده‌اند، آگاه سازند.^{۵۷} اطلاعات دریافتی از سوی کشورها و خلاصه‌ای از مذاکرات «گزارشگر ویژه پیگیری دیدگاه‌ها»^{۵۸} با نمایندگان کشورهای مختلف پیرامون علل عدم رعایت «دیدگاه‌های پایانی» هر سال در گزارش سالیانه این نهاد به مجمع عمومی درج می‌شود. گفتنی است کمیته حقوق بشر در گزارش‌های سالیانه خود فهرستی از کلیه «دیدگاه‌های» صادر از سال ۱۹۷۹، نام دول طرف دعوا، و پاسخ یا عدم پاسخ این دولت‌ها به درخواست کمیته را در قالب جدولی

۳۵. برای مطالعه بیشتر در زمینه ساز و کار اجرایی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر ر.ک:

Supervision of the Execution of Judgments of the European Court of Human Rights, 1st Annual Report, 2007, Council of Europe, March 2008. at http://www.coe.int/t/dghl/monitoring/execution/default_en.asp

54. Markus Schmidt, "Follow-up Activities by the UN Human Rights Treaty Bodies and Special Procedures Mechanisms of the Human Rights Council – Recent Developments", in Gudmundur Alfredsson, Jonas Grimheden, Bertrand G. Ramcharan and Alfred Zayas, *International Human Rights Monitoring Mechanisms: Essays in Honour of Jakob Th. Möller*, 2nd Revised Edition, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, p.25.

55. doctrine of implied powers

۶۵. برای مطالعه در خصوص مبانی حقوقی ایجاد آیین پیگیری و استدلال موافقان و مخالفان ر.ک:

Alfred de Zayas, "Petitions before the United Nations Treaty Bodies; Focus on the Human Rights Committee's Optional Protocol Procedure", in Alfredsson, Grimheden, Ramcharan and Zayas, *op.cit.*, pp.74-75; Schmidt, "Follow-up Activities by the UN Human Rights Treaty Bodies and Special Procedures Mechanisms of the Human Rights Council – Recent Developments", in Alfredsson, Grimheden, Ramcharan and Zayas, *op.cit.*, p.26.

۵۷. تجربه فعالیت کمیته نشان داد که مهلت ۹۰ روزه کشورها برای ارائه اطلاعات دقیق و درست راجع به «دیدگاه‌های پایانی» بخصوص برای کشورهایی با ساختار فدرالی کافی نیست و در عمل این مهلت به طور دقیق رعایت نمی‌شود. به همین دلیل کمیته در پاییز سال ۲۰۰۷ تصمیم گرفت مهلت مربوط را به ۱۸۰ روز افزایش دهد.

58. special rapporteur on follow-up of views

ارائه می‌کند. علاوه بر آن در این جداول در صورت امکان به رضایت‌بخش^{۵۹} یا غیر رضایت‌بخش بودن^{۶۰} پاسخ‌های دریافتی - به لحاظ رعایت یا عدم رعایت «دیدگاه‌های پایانی» - اشاره می‌شود.

پاسخ‌های رضایت‌بخش از نظر کمیته به آن دسته از پاسخ‌هایی اطلاق می‌شوند که نمایانگر تمایل دولت مربوط در اثر بخشیدن به «دیدگاه‌های پایانی» یا اعطای نوعی از جبران خسارت به شاکی هستند.^{۶۱} در مقابل، پاسخ‌های غیر رضایت‌بخش به آن دسته از پاسخ‌هایی گفته می‌شوند که اساساً به نکات مذکور در «دیدگاه‌های» کمیته توجهی نکرده یا صرفاً به بخش اندکی از آن پرداخته‌اند. در برخی از این گونه پاسخ‌ها دولت‌ها به صراحت یافته‌های کمیته را در قسمت مبانی حقیقی یا حقوقی پرونده به چالش کشیده‌اند یا اظهاراتی دیر هنگام در ارتباط با مبانی حقوقی شکایت مربوط ارائه می‌کنند.^{۶۲} برخی دیگر از پاسخ‌های غیر رضایت‌بخش نیز متضمن این نکته هستند که دولت مربوط به دلایلی از جمله توسل به تفسیر دیگر مراجع داخلی یا بین‌المللی و یا استناد به موانع و مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی یا قانونی موجود در کشور خود، به «دیدگاه‌های» کمیته عمل نخواهد کرد.^{۶۳}

59. satisfactory responses

60. unsatisfactory Responses

61. GAOR, Sixty- Fourth Session, Supplement No.40, A/64/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, p.125, para 232.

به‌عنوان مثال در پرونده «ویلاکوس/رتگا علیه اکوادور» (Villacrés Ortega) دولت مربوط طی اظهاریه مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ کمیته را مطلع کرد که ملاقات با نماینده شاکی به منظور دستیابی به یک راه‌حل دوستانه بر طبق «دیدگاه‌های» این نهاد انجام پذیرفته و به اتخاذ تدابیر قانونی در داخل کشور برای جلوگیری از تکرار چنین وقایعی اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:

GAOR, Fifty- Fourth Session, Supplement No.40, A/54/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, pp. 96-97, para 466.

62. GAOR, Sixty- Fourth Session, Supplement No.40, A/64/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, p. 125, para 233.

به‌عنوان مثال دولت ترینیداد و توباگو با به چالش کشیدن «دیدگاه‌های» کمیته در قضیه «اسلید پنتون» (Clyde Neptune) درخصوص لزوم اتخاذ تدابیری فوری در جهت بهبود شرایط بازداشت شاکی، اعلام کرد که بر طبق نظر کمیسیون زندان‌های این کشور شرایط بازداشت با ماده ۱۰ میثاق سازگار بوده و شاکی در توصیف وضعیت خود بیش از حد اغراق کرده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:

GAOR, Fifty - Second Session, Supplement No.40, A/52/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, p. 99, para 550.

63. GAOR, Sixty- Fourth Session, Supplement No.40, A/64/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, p.125, paras 232-233.

به‌عنوان مثال دولت پاناما در اظهاریه مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷ درخصوص پرونده «ایزیدورا باروسو» (Isidora Barroso) ضمن اذعان به پیامدهای حقوقی تصویب پروتکل و میثاق به این مطلب اشاره کرد که نظام عدالت کیفری این کشور در اثر بدهی‌های خارجی با فشار مالی روبه‌رو است و همین امر، مانع از ایجاد تعداد بیش‌تری دادگاه در سطح این کشور می‌شود. از همین رو با در نظر گرفتن وضعیت موجود، اطلاع دادرسی در محاکم این کشور امری قابل توجیه به نظر می‌رسد.

۷۷ ❖ ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر

بر طبق گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته حقوق بشر به مجمع عمومی^{۶۴} از سال ۱۹۷۹ تاکنون بیش از ۱۸۸۸ شکایت فردی در دبیرخانه کمیته به ثبت رسیده که در ۶۸۱ مورد منجر به اخذ تصمیم در ماهیت دعوا شده است و از این میان در ۵۴۳ مورد، نقض میثاق احراز شده است. براساس گزارش مذکور در ارتباط با «دیدگاه‌های» حاکی از نقض، در ۳۳۵ مورد دولت‌های طرف دعوا پاسخ خود را ارائه کرده و در ۱۶۶ مورد پاسخی ارائه نکرده‌اند، در بقیه پرونده‌ها مهلت ۱۸۰ روزه تا زمان انتشار گزارش به اتمام نرسیده بود. از میان پاسخ‌های رسیده ۸۰ مورد (حدود ۱۵ درصد) غیر رضایت‌بخش و ۶۶ مورد (حدود ۱۲ درصد) رضایت‌بخش اعلام شده است. در ۱۸۹ مورد باقیمانده، کمیته هنوز اظهارنظر نکرده است.

گفتار سوم) رویه محاکم داخلی کشورها در قبال «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر

دولت‌های عضو پروتکل که در یک شکایت فردی نزد کمیته به نقض میثاق محکوم می‌شوند، گاه برای اجرایی ساختن «دیدگاه‌های پایانی» صرفاً نیازمند اتخاذ تدابیر اجرایی یا اداری هستند. با وجود این در پاره-ای از موارد این امر نیازمند طرح مجدد پرونده‌ها در محاکم داخلی کشورها است. چنین امری بخصوص در مواردی شایع است که کمیته در «دیدگاه» خود به نقض ماده ۱۴ میثاق در ارتباط با موازین دادرسی عادلانه تصریح کرده باشد.^{۶۵} در همین زمینه این سؤال مطرح است که آیا دادگاه‌های داخلی خود را مقید به عمل به تصمیمات کمیته می‌دانند یا خیر.

نظام داخلی کشورها برای اثر بخشیدن به تصمیمات نهادهای میثقی بر معاهده با موانع و مشکلات گوناگونی روبه‌رو است. تعداد انگشت‌شماری از کشورها برای اثر بخشیدن به «دیدگاه‌های» کمیته، آیینی رسمی در قانون خود پیش‌بینی کرده‌اند و در تعداد محدودی از کشورها مقررات قانون اساسی را با چنین منظوری می‌توان مورد استفاده قرار داد.^{۶۶} از همین رو، خلأ قانونی در کشورها در زمینه نحوه اجرایی کردن «دیدگاه‌های» کمیته و وارد نشدن میثاق و پروتکل در نظم حقوقی داخلی در زمره عواملی است که به طور مستقیم بر نحوه واکنش دادگاه‌های هر کشور در برابر تصمیمات صادر از سوی یک نهاد بین‌المللی، چون کمیته حقوق بشر، تأثیرگذار است. به‌عنوان نمونه، دیوان عالی ایرلند به‌صراحت خلأ قانونی ناشی از وارد

64. GAOR, Sixty - Fourth Session, Supplement No.40, A/64/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee, pp.125-169, paras 230-236.

65. International Law Association, *op.cit.*, p.8, para 29.

66. *Ibid.*, p. 8, para 29.

به‌عنوان مثال دولت کلمبیا با تصویب قانون شماره ۲۸۸ در ۵ ژوئیه ۱۹۹۶ این امکان را فراهم ساخت که تصمیمات نهادهای بین‌المللی، همچون کمیته حقوق بشر در زمینه اعطای غرامت مستقیماً در قانون داخلی این کشور اجرا شود. علاوه بر آن در دولت چک، وزیر دادگستری به موجب قانون شماره ۵۱۷/۲۰۰۲ درخصوص نظام نهادهای مرکزی دولت، مسئول هماهنگی در اجرای «دیدگاه‌های» کمیته حقوق بشر است.

نشدن میثاق و پروتکل به نظام حقوقی این کشور را به‌عنوان مانعی در جهت عمل به «دیدگاه‌های» کمیته معرفی کرده است.^{۶۷} در اسپانیا علی‌رغم وارد شدن میثاق و پروتکل در نظم حقوق داخلی این کشور، «دیدگاه‌های» کمیته مستقیماً توسط دادگاه‌های داخلی قابل اجرا نیستند. از همین رو، دادگاه‌ها تکلیفی به متابعت از «دیدگاه‌های پایانی» ندارند. دیوان عالی اسپانیا در دو پرونده «هیل و هیل»^{۶۸} و «گومز واکوز»^{۶۹} نه‌تنها راهکاری برای عمل به تصمیم کمیته اتخاذ نکرد، بلکه «دیدگاه‌های» کمیته را نیز از شمار موارد امکان طرح مجدد پرونده‌ها خارج کرد. پیش‌بینی توسل به آیینی تحت عنوان آمپرو در قانون اساسی اسپانیا خود می‌تواند گامی در جهت عمل به تصمیمات کمیته و نشان‌دهنده قصد این کشور به اجرایی کردن این «دیدگاه‌ها» از طریق محاکم داخلی باشد.^{۷۰} در این میان، «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در قانون کورهایبی مثل مجارستان و لهستان به‌عنوان شواهد تازه‌ای در طرح مجدد پرونده‌ها در محاکم ملی این کشورها محسوب شده و این امر بخصوص در موارد نقض ماده ۱۴ میثاق به‌عنوان گام مثبتی تلقی می‌شود. با وجود این، جایگاه و ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» در این قوانین مسکوت مانده است.^{۷۱}

گاه علی‌رغم وجود قانونی خاص، نوع تفسیر محاکم داخلی کشورها از قوانین موجود راه را برای عمل به «دیدگاه‌های» کمیته می‌بندد. یک مثال قابل توجه در این زمینه، محاکم ملی اسلواکی است. تصمیم مورخ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۱ دادگاه قانون اساسی این کشور به «دیدگاه‌های پایانی» کمیته در قضیه «ماتیوس»^{۷۲} اختصاص داشت. با وجود پیش‌بینی قانونی خاص در جهت اثر بخشیدن به تصمیمات کمیته در کشور اسلواکی، نوع تفسیر دادگاه قانون اساسی از این قانون، منجر به توقف رسیدگی شد.^{۷۳}

عامل دیگری که در کنار موارد بالا می‌توان به آن اشاره کرد، غیرقضایی تلقی شدن دیدگاه‌های کمیته حقوق بشر و غیرالزام‌آور دانستن تصمیمات آن نزد محاکم داخلی است. به‌عنوان نمونه در قانون اساسی چک، دادگاه قانون اساسی موظف است تدابیر لازم را جهت اجرای تصمیمات دادگاه‌های بین‌المللی انجام

67. *Ibid.*, p. 8, para 31.

68. *Hill and Hill v. Spain*, The Human Rights Committee, Views adopted on 2 April 1997.

در این پرونده، شاکیان از طرف دادگاه‌های اسپانیا به جرم مشارکت در پاره‌ای بمب‌گذاری‌ها محکوم شده بودند.

69. *Gómez Vázquez v. Spain*, The Human Rights Committee, Views adopted on 11 August 2000.

۷۰. برای مطالعه بیشتر در زمینه چالش‌های موجود در اجرای «دیدگاه‌های» کمیته در اسپانیا رک:

Natalia Alvarez Molinero, Implementation of the Views of the UN Human Rights Committee in Spain: New Challenges, Papers Presented at the Meeting or Provided Subsequently of the International Law Association's Committee on International Human Rights Law and Practice, Institute of Human Rights, Åbo Akademi University, Turku, 26-27 September 2003, available at <http://www.abo.fi/instut/imr> (under Seminars).

71. International Law Association, *op.cit.*, p.11, para 43.

72. *Mátyus v. Slovak Republic*, The Human Rights Committee, Views adopted on 26 July 2002.

73. International Law Association, *op.cit.*, p.11, para 41.

دهد. مطابق تفسیری که از لفظ «دادگاه‌های بین‌المللی» به عمل آمده است، منظور از این اصطلاح، نهادهای بین‌المللی هستند که اختیار تصمیم‌گیری درخصوص شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را دارند و تصمیمات آن‌ها براساس معاهدات بین‌المللی منتشر شده برای دولت چک الزام‌آور هستند. بدین ترتیب، تنها نهادی که مشمول این تفسیر واقع می‌شود، دیوان اروپایی حقوق بشر است و دادگاه قانون اساسی چک، تکلیفی به اجرایی کردن «دیدگاه‌های» کمیته حقوق بشر ندارد.^{۷۴}

نتیجه‌گیری

در مورد ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر دو نظریه وجود دارد. گروهی از حقوقدانان قاطعانه بر این باورند که یافته‌های حاصل از شکایات فردی که به‌عنوان views در پروتکل از آن‌ها یاد شده است، چیزی بیش از توصیه و پیشنهاد نیستند و دولت‌های عضو، تکلیفی به متابعت از آن‌ها ندارند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که استفاده از لفظ خاص views در پروتکل یا نبود مقرره‌ای در جهت الزام‌آور قلمداد کردن این یافته‌ها، مجوزی برای عدم رعایت آن‌ها محسوب نمی‌شود.

به نظر می‌رسد با توجه به استفاده از لفظ views یا «دیدگاه‌ها» به جای لفظ judgments یا «احکام» و همچنین فقدان مقرره‌ای خاص در متن پروتکل مبنی بر الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های» کمیته، نمی‌توان این «دیدگاه‌ها» را به مثابه تصمیماتی الزام‌آور قلمداد کرد. مضافاً این‌که در کارهای مقدماتی پروتکل نیز شواهدی یافت نمی‌شود که حاکی از ماهیت الزام‌آور این «دیدگاه‌ها» باشد. در کنار موارد فوق، این واقعیت را نیز نمی‌توان انکار کرد که در زمان تدوین میثاق و پروتکل، دولت‌ها حاضر به پذیرش رسمی تعهد عمل به «دیدگاه‌های پایانی» نبودند. صرف اعطای حق شکایت به افراد در زمان تدوین میثاق و پروتکل، خود با چالش‌های فراوانی بخصوص از سوی بلوک شرق روبه‌رو بوده است. با آن‌که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ مدتی از شروع به کار کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌گذشت و جامعه بین‌المللی حداقل در سطح منطقه‌ای تجربه صدور آرای الزام‌آور علیه دولت‌ها را پشت سر نهاده بود، هنوز در مقطع جهانی، ترس ناشی از اعطای حق شکایت به افراد در اذهان بسیاری از دولت‌ها وجود داشت. علاوه بر آن در سطح جهانی، کشورهایی با فرهنگ‌ها و مرام‌های حقوقی گوناگون در مجمع عمومی سازمان ملل حضور یافتند و در مورد ساز و کارهای نظارتی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و صلاحیت کمیته حقوق بشر به دریافت شکایت از جانب افراد و پیامدهای حاصل از آن به گفتگو نشستند. وجود چنین تنوع فرهنگی و تفکر سنتی برخی از دولت‌ها درخصوص موقعیت فرد در صحنه بین‌الملل موجب شد که تدوین‌کنندگان میثاق و پروتکل نتوانند مقرراتی مبنی بر الزام‌آور بودن «دیدگاه‌های» کمیته در متن پروتکل وارد کنند.

74. Ibid., p.10, para 39.

علی‌رغم این یافته که «دیدگاه‌های پایانی» کمیته به لحاظ نظری، تعهدی را بر دولت‌ها مبنی بر الزام به رعایت و عمل به آن‌ها بار نمی‌کنند، عواملی وجود دارند که به این «دیدگاه‌ها» ارزشی فراتر از یک توصیه می‌دهند:

۱. بین تعهدات ناشی از بند (۳) ماده ۲ میثاق و پروتکل اختیاری اول، رابطه نزدیکی وجود دارد. بند (۳) ماده ۲ مقرر داشته که در صورت نقض حقوق مندرج در میثاق، دولت عضو مکلف است طرق جبران خسارت مؤثر و قابل‌اجرائی را برای قربانی فراهم آورد. پروتکل اختیاری اول ساز و کاری را ایجاد کرده که برطبق آن می‌توان وقوع یا عدم وقوع نقض میثاق را اثبات کرد و زمانی که کمیته حقوق بشر پی به وقوع نقض میثاق می‌برد تعهد حقوقی دولت عضو در ماده پیش‌گفته، مبنی بر فراهم کردن طرق جبران خسارت بر وی بار می‌شود. لذا این ماده از میثاق، تقویت‌کننده این دیدگاه است که دولت‌ها با پیوستن به ساز و کار پروتکل، پیشاپیش تمایل خود را به پذیرش تصمیم کمیته اعلام داشته‌اند؛ حتی اگر این تصمیم در قالب «دیدگاه‌هایی» باشد که رسماً دارای اثر الزام‌آور نیستند.

۲. کمیته حقوق بشر یک نهاد بین‌المللی متشکل از عده‌ای افراد کارشناس است که توسط میثاق حقوق مدنی و سیاسی تأسیس شده و معتبرترین مرجع در تفسیر معاهده مربوط به شمار می‌آید. این نهاد، تنها نهاد در سطح بین‌الملل است که وظیفه دائمی ارائه تفاسیر حقوقی از تعهدات مندرج در میثاق را بر عهده دارد. از همین رو صحیح نیست که «دیدگاه‌های پایانی» کمیته را در رده توصیه‌هایی صرف قرار دهیم. این «دیدگاه‌ها» حاصل و نتیجه پایانی عملکرد یک نهاد بین‌المللی هستند که توسط دولت‌های عضو و با هدف نظارت بر رعایت آن ایجاد شده است. کمیته حقوق بشر، مفسری برجسته در خصوص مقررات میثاق محسوب شده و از همین رو، تصمیمات پایانی کمیته نیز شاخصه‌ای قوی در تفسیر تعهدات دولت‌ها تلقی می‌شوند.

۳. در ارزیابی ارزش و اعتبار «دیدگاه‌های پایانی» کمیته، توجه به کیفیاتی همچون بی‌طرفی و مقید بودن اعضا به رعایت درست کلیه شرایط موجود در میثاق، پروتکل و آیین کار کمیته حائز اهمیت است. علاوه بر آن «دیدگاه‌های پایانی» که براساس پروتکل اول تدوین می‌شوند، نه هدفی تشریفاتی، بلکه هدفی کاملاً عینی و ماهوی را دنبال می‌کنند. این هدف در واقع جلب اطمینان افراد به این نکته است که اگر در کشور خود قادر به باز یافتن حقوق از دست رفته خویش نبودند، بتوانند نزد مرجعی صالح در سطح بین‌المللی اقامه دعوا کنند. رعایت سه شرط مذکور به طور قطع بر ارزش و اعتبار «دیدگاه‌های» کمیته می‌افزاید. در تفسیر کلی شماره ۳۳ نیز بی‌طرفی و استقلال اعضای کمیته، ویژگی تعیین‌کننده و قاطع این تصمیمات، و تفسیر مقتضی از مواد میثاق در خلال تدوین یافته‌ها به‌عنوان مبنایی برای اهمیت آن ذکر شده است.

آنچه بر موارد فوق‌الذکر به‌عنوان عواملی در جهت ارزش و اهمیت «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر بیش‌تر می‌افزاید، نحوه برخورد دولت‌ها با این «دیدگاه‌ها» در عرصه عمل است. در این رابطه، گزارش

ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر ❖ ۸۱

سال ۲۰۰۹ کمیته به مجمع عمومی سازمان ملل حائز اهمیت است. گرچه در این گزارش، تعداد پاسخ‌های غیررضایت‌بخش بر موارد رضایت‌بخش غلبه داشت، صرف ارائه پاسخ از سوی دولت‌های ناقص حقوق میثاق، امری حائز اهمیت است، زیرا همین نکته نشان‌دهنده توجه دولت‌ها به تصمیمات صادر از سوی کمیته و تلاش در جهت مشارکت هرچه بیش‌تر در ساز و کار پروتکل است. علاوه بر آن در بیشتر پاسخ‌های غیررضایت‌بخش، دولت‌ها به موانع و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و قانونی موجود در کشور خود اشاره کرده و در کم‌تر موردی به غیرالزام‌آور بودن این تصمیمات استناد می‌جویند. رویه محاکم داخلی کشورهای عضو پروتکل در زمینه اثر بخشیدن به «دیدگاه‌های» کمیته، نشان‌دهنده بخش کوچکی از مشکلات فوق است. امروزه بسیاری از دولت‌ها بنا به دلایل بی‌شماری همچون جایگاه کمیته حقوق بشر در تضمین حقوق افراد، تغییر در جو سیاسی زمانه، افزایش خواست جامعه جهانی به حمایت مؤثرتر از حقوق افراد، حفظ وجهه بین‌المللی، تعهد به اصل اساسی حقوق معاهدات مبنی بر رعایت حسن‌نیت در انجام تعهدات قراردادی همکاری برای ارتقای حقوق بشر و غیره، به «دیدگاه‌های» کمیته حقوق بشر احترام گذاشته، از فرد قربانی جبران خسارت به عمل می‌آورند. با توجه به این مطالب، گرچه یافته‌های حاصل از شکایات فردی عنوان «دیدگاه» را در پروتکل به خود گرفته‌اند و از نظر تئوریک، دولت‌ها تکلیفی به عمل براساس این یافته‌ها ندارند، این دیدگاه‌ها در عرصه عمل، ارزشی بسیار فراتر از یک دیدگاه یا توصیه ساده دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) انگلیسی

1. Alfredsson, Gudmundur, Grimheden, Jonas, Ramcharan, Bertrand G. and Zayas, Alfred, *International Human Rights Monitoring Mechanisms: Essays in Honour of Jakob Th. Möller*, 2nd Revised Edition, Leiden, The Netherlands, The Raoul Wallenberg Institute Human Rights Library, Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
2. Alston, Philip and Crawford, James (eds), *The Future of UN Human Rights Treaty Monitoring*, Cambridge, Cambridge University Press, 2000.
3. Ando, Nisuke (ed), *Towards Implementing Universal Human Rights: Festschrift for the Twenty - Fifth Anniversary of the Human Rights Committee*, Leiden, the Netherlands, The Raoul Wallenberg Institute Human Rights Library, Martinus Nijhoff Publishers, 2004.
4. Ando, Nisuke, "L'avenir des Organes de Supervision: Limites et Possibilités du Comité de Droit de l'homme", *Canadian Human Rights Yearbook*, 1991-1992.
5. *Ballantyne v. Canada*, The Human Rights Committee, Views adopted on 5 May 1993.
6. De Zayas, Alfred, "Petitions before the United Nations Treaty Bodies; Focus on the Human Rights Committee's Optional Protocol Procedure", in Gudmundur Alfredsson, Jonas Grimheden, Bertrand G. Ramcharan and Alfred Zayas, *International Human Rights Monitoring Mechanisms: Essays in Honour of Jakob Th. Möller*, 2nd Revised Edition, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
7. De Zayas, Alfred, "The Potential for United States Ratification and Enforcement of the Covenants on Civil and Political Rights and Economic, Social and Cultural Rights: The Potential for the United States Joining the

- Covenant Family”, *GA. Journal of International and Comparative Law*, Vol.20 (299), 1990, pp.299-310.
8. Dony, Edward, “UN Human Rights Covenants Become Law: So What?”, *ASIL Proceedings*, Vol.70, 1976, pp.97-105.
9. Francioni, Francesco (ed), *Access to Justice as a Human Right*, Oxford, New York, Academy of European Law, European University Institute, Oxford University Press, 2007.
10. GAOR, Fifty-Second Session, Supplement No.40, A/52/40, A/54/40 and A/64/40 (Vol.I), Report of the Human Rights Committee.
11. General Comment No.33, The Obligations of States Parties under the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, CCPR/C/GC/33, 5 November 2008.
12. Ghandhi, P.R., *The Human Rights Committee and the Right of Individual Communication; Law and Practice*, Aldershot, Ashgate, 1999.
13. *Gómez Vásquez v. Spain*, The Human Rights Committee, Views adopted on 11 August 2000.
14. Hamamoto, Shotaro, “An Undemocratic Guardian of Democracy: International Human Rights Complaint Procedures”, *Victoria University of Wellington Law Review*, Vol.38, 2007, pp.199-216.
15. Hanski, Raija and Suksi, Marku (eds), *An Introduction to International Protection of Human Rights; A Textbook*, 2nd Revised Edition, Turku/Åbo: Institute for Human Rights, Åbo Akademi University, 1999.
16. Harrington, Joanna, “The Absent Dialogue: Extradition and the International Covenant on Civil and Political Rights”, *Queen’s Law Journal*, Vol.32, 2006-2007, pp.82-134.
17. Helfer, Laurence R., Slaughter, Anne-Marie, “Toward a Theory of Effective Supranational Adjudication”, *Yale law Journal*, Vol.107, 1997-1998, pp.273-391.
18. *Hill and Hill v. Spain*, The Human Rights Committee, Views adopted on 2

April 1997.

19. International Law Association, Berlin Conference (2004), International Human Rights Law and Practice, “Final Report on the Impact of the United Nations Human Rights Treaty Bodies”, available at <http://www.abo.fi/institut/imr> (under seminar).

20. Kälin, Walter, Künzli, Jörg, *The Law of International Human Rights Protection*, New York, Oxford University Press, 2009.

21. *Lovelace v. Canada*, The Human Rights Committee, Views adopted on 30 July 1981.

22. *Mátyus v. Slovak Republic*, The Human Rights Committee, Views adopted on 26 July 2002.

23. Mc Goldrick, Dominic, *The Human Rights Committee: It's Role in the Development of International Covenant on Civil and Political Rights*, Oxford, Clarendon, New York, Oxford University Press, 1991.

24. Natalia Alvarez Molinero, Implementation of the Views of the UN Human Rights Committee in Spain: New Challenges, Papers Presented at the Meeting or Provided Subsequently of the International Law Association's Committee on International Human Rights Law and Practice, Institute of Human Rights, Åbo Akademi University, Turku, 26-27 September 2003, available at <http://www.abo.fi/institut/imr> (under seminars).

25. Pocar, Fausto, “La Valeur Juridique des Constatations du Comité des Droits de l'homme”, *Canadian Human Rights Yearbook*, 1991-1992, pp.129-134.

26. Rishworth, Paul and Huscroft, Grant (eds), *Litigating Rights: Perspective from Domestic and International law*, Oxford and Portland, Oregon, Hart Publishing, 2002.

27. Supervision of the Execution of Judgments of the European Court of Human Rights, 1st Annual Report, Council of Europe, March 2008.

28. Steiner, Henry J., Alston, Philip and Goodman, Ryan, *International*

Human Rights in Context; Law, Politics, Morals, 3rd edition, New York, Oxford University Press, 2007.

29. Tomuschat, Christian, “National Implementation of International Standards”, *Canadian human Rights YearBook*, 1984-1985, pp.31-61.

30. *Yearbook of the United Nations*, Special Edition, UN 50th Anniversary, 1945-1995, Departement of Public Information, United Nations, New York, The Hague, Boston, London, Martinus Nijhoff Publishres.

